

مستور شایم

دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته مشاوره و راهنمایی

عنوان

رابطه بین ادراک از سبک فرزندپروری و هویت با احساس

تنهایی در میان دانشجویان دانشگاه الزهراء

استاد راهنما

خانم دکتر سیمین حسینیان

استاد مشاور

آقای دکتر حمید رضائیان

دانشجو لیلی ناصحی

اسفند ماه 1391

چکیده :

هدف پژوهش حاضر تعیین میزان رابطه ادراک از سبک فرزندپروری و سبک نفر از دانشجویان دانشگاه نمونه مورد مطالعه 300. هویت با احساس تنهایی است الزهرا بودند ، که با استفاده از نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند . ابزارهای هویت های سبک ی همتا ، سیاهه- پدر- ی مادر پژوهش، سه پرسشنامه سیاهه برای) بودند . SELSA بزرگسالان (اجتماعی و هیجانی تنهایی برزونسکی و مقیاس تجزیه و تحلیل داده ها از روش آماری تحلیل رگرسیون استفاده شد .

نتایج پژوهش نشان دادند که ادراک از سبک فرزندپروری مادر و سبک هویت اطلاعاتی با احساس تنهایی کلی ، تنهایی اجتماعی و تنهایی خانوادگی رابطه معناداری دارند . و سبک هویت مغشوش - اجتنابی با احساس تنهایی اجتماعی و تنهایی خانوادگی رابطه معناداری دارد .

کلید واژه ها :

ادراک از سبک فرزندپروری ، سبک هویت ، احساس تنهایی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
2	1-1 مقدمه
7	2-1 بیان مسئله
12	3-1 اهداف تحقیق
12	4-1 ضرورت تحقیق
16	5-1 متغیرهای پژوهش
16	1-5-1 سبک هویت
16	2-5-1 تعهد هویت
17	3-5-1 ادراک از سبک فرزندپروری
17	4-5-1 احساس تنهایی

فصل دوم ادبیات پژوهش

20	1-2 هویت
21	2-1-2 نظریه های هویت
22	3-1-2 نظریه هویت مارشیا
24	4-2-1 نظریه اریکسون
26	5-2-1 نظریه شناختی - اجتماعی برزونسکی
28	6-2-1 انواع سبک پرورش هویت
32	7-2-1 رابطه سبک پرورش هویت و فرزندپروری
34	2-2 احساس تنهایی

- 1-2-2 متمایز کردن احساس تنهایی از سازه های مشابه روان شناختی 35
- 2-2-2 اشکال احساس تنهایی..... 38
- 3-2-2 دیدگاه های نظری احساس تنهایی..... 39
- 4-2-2 دیدگاه نیازهای اجتماعی 39
- 5-2-2 دیدگاه تفاوت های شناختی..... 41
- 6-2-2 دیدگاه تعامل گرا 42
- 7-2-2 علل تنهایی..... 43
- 8-2-2 انواع ویژگی های احساس تنهایی..... 45
- 3-2-2 سبک فرزندپروری..... 49
- 1-3-2 نظریه سبک فرزندپروری..... 50
- 2-3-2 نظریه فرزندپروری بامریند..... 50
- 3-3-2 ادراک از سبک فرزندپروری در نظریه خود تعیین کنندگی..... 52
- 4-3-2 نظریه اپستین و ریان ولینچ 53
- 5-3-2 نظریه ریان و همکاران..... 53
- 6-3-2 نظریه برزونسکی و همکاران 54
- 7-3-2 نظریه رومنو..... 55
- 4-2-2 پیشینه های تحقیق..... 57
- 1-4-2 پیشینه های منابع فارسی 57
- 2-4-2 پیشینه های منابع خارجی..... 62
- 3-4-2 فرضیه های تحقیق..... 70

فصل سوم : روش شناسی

- 73.....1-3 طرح پژوهش
- 73.....2-3 جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری
- 73.....3-3 ابزارهای جمع آوری داده ها
- 74.....3-3-1 سیاهه مادر - پدر - همتا
- 75.....3-3-2 سبک هویت برزونسکی
- 76.....3-3-3 مقیاس تنهایی هیجانی و اجتماعی (SELSA)
- 77.....3-3-4 روش اجرا
- 77.....3-3-5 روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهار تجزیه و تحلیل اطلاعات

- 79.....1-4 مقدمه
- 79.....2-4 آمار توصیفی
- 79.....3-4 آزمون فرضیه ها

فصل پنجم بحث و نتیجه گیری

- 97.....1-5 تبیین یافته های پژوهشی
- 102.....2-5 محدودیت های تحقیق
- 103.....3-5 پیشنهادات تحقیق
- 104.....فهرست منابع
- 104.....الف) فهرست منابع فارسی

107	ب) فهرست منابع خارجی
116	ضمائم
117	پرسشنامه سبک هویت برزونسکی
119	سیاهه مادر - پدر - همتا

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول 1-4. میانگین و انحراف معیار سبک های هویت	79
جدول 2-4. میانگین و انحراف معیار ابعاد تنهایی.....	80
جدول 3-4. میانگین و انحراف معیار ادراک از سبک فرزندپروری	80
جدول 4-4. میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی ها.....	81
جدول 5-4. جدول رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش بین بر (تنهایی).....	81
جدول 6-4. تعیین ارزش آماری ترکیب خطی متغیر پیش بین و ملاک.....	82
جدول 7-4. ضریب رگرسیون تفکیک شده متغیرهای پیش بین بر میزان تنهایی کلی.....	83
جدول 8-4. جدول رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش بین بر (تنهایی خانوادگی).....	84
جدول 9-4. تعیین ارزش آماری ترکیب خطی متغیر پیش بین و ملاک.....	85
جدول 10-4. ضریب رگرسیون تفکیک شده متغیرهای پیش بین بر تنهایی خانوادگی.....	86
جدول 11-4. جدول رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش بین بر (تنهایی اجتماعی).....	87
جدول 12-4. تعیین ارزش آماری ترکیب خطی متغیر پیش بین و ملاک.....	88
جدول 13-4. ضریب رگرسیون تفکیک شده متغیرهای پیش بین بر تنهایی اجتماعی.....	89
جدول 14-4. جدول رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش بین بر (تنهایی کلی).....	90
جدول 15-4. تعیین ارزش آماری ترکیب خطی متغیر پیش بین و ملاک.....	90
جدول 16-4. ضریب رگرسیون تفکیک شده متغیرهای پیش بین بر میزان تنهایی کلی.....	91
جدول 17-4. جدول رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش بین بر تنهایی خانوادگی.....	92

- جدول 4-18. تعیین ارزش آماری ترکیب خطی متغیر پیش بین و ملاک.....92
- جدول 4-19. ضریب رگرسیون تفکیک شده متغیر های پیش بین بر تنهایی خانوادگی.....93
- جدول 4-20. جدول رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش بین بر تنهایی اجتماعی.....93
- جدول 4-21. تعیین ارزش آماری ترکیب خطی متغیر پیش بین و ملاک.....94
- جدول 4-22. ضریب رگرسیون تفکیک شده متغیر های پیش بین بر تنهایی اجتماعی.....94

س ا س

پ س پ

۱-۱ مقدمه

شوق صمیمیت بین فردی در بین همه انسان ها از کودکی تا سراسر زندگی وجود دارد و هیچ انسانی نیست که به وسیله این فقدان تهدید نشده باشد. انسان با نیاز به برقراری تماس و مهربانی با دیگران متولد می شود (ریچمن^۱، ۱۹۵۹، به نقل از هینریچ و گالون^۲، ۲۰۰۶). روابط نزدیک با دیگران بر فرایندهای رشد اجتماعی و شخصی افراد تأثیر قابل ملاحظه ای دارد. بررسی دقیق و موشکافانه روابط بین فردی برای اولین بار توسط سالیوان^۳ (۱۹۵۳) در قالب نظریه روابط بین فردی، جایگاه خود را در مباحث روان شناسی به دست آورد (به نقل از قربانی، ۱۳۸۷).

سالیوان بر لزوم برقراری رابطه با دیگران به دلیل ریشه داشتن در نیازهای اصلی انسانی تأکید می کند و بی کفایتی در ارضای نیاز به صمیمیت دیگران و یا ارضای ناکافی نیاز به صمیمیت یا صمیمیت بین فردی را تحت عنوان احساس تنهایی^۴ مطرح می کند، که یکی از قدیمی ترین توصیفات تنهایی بوده است. از دیگر تعاریف پیشین تنهایی، متعلق به یانگ^۵ (۱۹۸۲) است. او تنهایی را، عدم روابط اجتماعی رضایتمند و یا عدم ادراک روابط اجتماعی رضایتمند توصیف می کند (تاراریل^۶، ۲۰۱۱).

این احساس بی کفایتی را سالیوان، تجربه ای نا خوشایند و عمیقی می داند که می تواند ناشی از عدم ارضای نیاز ذاتی به تماس فیزیکی باشد. نیاز به تماس فیزیکی برخی از احتیاجات کودک را برآورده می سازد. به نظر سالیوان این نیاز در بزرگسالی به شکل نیاز به مشارکت در فعالیت های اجتماعی بروز پیدا می کند و عدم ارضای آن، منجر به احساس تنهایی می شود. اوج نیاز به هم نوع، در قالب احتیاج و نیاز به عشق و نسبت به فردی دیگر متجلی می شود. ریشه تنهایی به نظر در عدم ارضای محبت دیگران و تبادل محبت به منظور برقراری روابط دوستانه صمیمی در بالاترین سطح آن یکی از این نیازها در مراحل مختلف است. همه آنها می توانند در قالب نیاز اساسی به تماس و صمیمیت بررسی می شوند (قربانی، ۱۳۸۷).

1-Richman

2-Heinrich & gullone

3-Sullivan

4-Loneliness

5-Young

6-Thararyil

همان طور که هال^۱ (۲۰۰۰) عنوان کرد، تنهایی نشانه مهمی از ناتوانی در برآورده کردن نیاز برای شکل دادن روابط خاص و دوستانه است (سرین^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

فرام^۳ (۱۹۸۵) ضمن ارائه شواهدی در تأیید نظریه سالیوان اظهار کرد که، همه انسان ها از تنها شدن هراس دارند و آستانه احساس تنهایی را متأثر از تاریخچه رشدی افراد می داند. به نظر وی فقدان مستمر تماس فیزیکی در دوران کودکی ممکن است، به ناراحتی های جسمانی و نیز عاطفی اعم از احساس تنهایی منجر شود (حجت^۴ ۱۹۸۹، به نقل از قربانی، ۱۳۸۷)

بالبی^۵ (۱۹۶۹) اظهار می کند، هر فردی سبک دلبستگی دارد که با این توانایی متولد می شود. این توانایی افراد را برای روابط نزدیک با مادر و داشتن اعتماد به نفس توانمند می کند (یونال^۶، ۲۰۰۵، به نقل از سرین و همکاران، ۲۰۱۰). بر طبق نظریه دلبستگی بالبی، مردم الگوهای فعال درونی خودشان و دیگران را در روابط نزدیک بر اساس تجربیاتشان با مراقبین دوران کودکی شکل می دهد. این سیستم ارزش انطباقی داشته و فرد را به حفظ نزدیکی و همجواری با افراد مهم زندگی یا تصاویر دلبستگی با کسانی که کودک می تواند در موقعیت های تهدید آمیز نزدیک آنها بماند، تا شانس او برای سازش یافتگی و بقا افزایش یابد، سوق می دهد. در دلبستگی ایمن این الگوها، روابطی را با مراقبین دوران کودکی منعکس می کنند که در آن روابط گرم و صمیمی و احترام برای خودمختاری رایج هستند و حس اعتماد بین خود و مراقبین و ظرفیت های کنترل هیجانات، وجود دارد (شاور و میکولینسر^۷، ۲۰۰۲، به نقل از ویسمن^۸ و همکاران، ۲۰۰۶). این دلبستگی را بالبی، عنصر مهم افراد از گهواره تا گور دانسته است. این رابطه چارچوب های شناختی را فراهم می کند، به طوریکه افراد را آگاه می کند که چگونه محیط خودشان را فراتر از دوران کودکی ادراک کنند و با آن تعامل کنند. زمانیکه این بازنمایی دلبستگی یا الگوی کار در محیط های حمایتی تشکیل می شود، کودکان یک پایگاه امنی جهت اکتشاف و تسلط بر محیطشان پیدا می کنند. این چارچوب منبع مثبتی است که

1- Hall

2-Serin

3-Fromm

4-Hojat

5-Bowlby

6-Unal

7-Shaver & Mikulincer

8-Wiseman

یک حس خودکارآمدی را ایجاد می کند و بنابراین انتقال موفق فرد به دوران بزرگسالی تسهیل می شود (دی توماسو^۱ و همکاران، ۲۰۰۳، به نقل از دنیز^۲ و همکاران، ۲۰۰۵).

مردم با دلبستگی ایمن تمایل دارند که روابط نزدیک و صمیمی با دیگران و گروههای اجتماعی ایجاد کنند و بنابراین احساس تنهایی کمتری نسبت به افراد نایمن دارند. اما در دلبستگی مغشوش که از احساس طرد شدن و دوست نداشتنی بودن توسط مراقبین ناشی می شود، باعث می گردد که افراد مفهوم خود منفی، اضطراب، خودکارآمدی کم و عدم اعتماد به دیگران را ایجاد کنند و لذا احساسات منفی افراد، موجب می گردد که روابطشان با دیگران را منفی تفسیر کنند و در نهایت باعث احساس تنهایی می شود (ویسمن و همکاران، ۲۰۰۶).

محققان خاطر نشان کردند که دلبستگی مختل شده اولیه در دوران کودکی، تأثیرات منفی بر بازنمایی خود و دیگران دارد. این اختلالات بر شکل گیری روابط دلبسته بعدی تأثیر دارد و خطر تنهایی را افزایش می دهد. بر اساس مطالعات جکسون^۳ (۲۰۰۷) تنهایی همبستگی مثبتی با دلبستگی مغشوش -اجتنابی به والدین دارد و از طرفی نیز رفتارهای فرزندپروری مثل حمایت مفرط و بی توجهی با تنهایی، همبستگی مثبتی دارند (جکسون، ۲۰۰۷).

بویژه فرزندان که با والدینی به دلیل کار به خارج شهر مهاجرت می کنند پرورش می یابند، در مورد افکارشان و مسائلشان با والدینشان بحث و گفتگو نمی کنند، آنها ممکن است روابط نایمی با والدینشان داشته باشند. بنابر این آنها نگرشها و ارزیابی های ضعیف تری از خودشان داشته باشند و احساس تنهایی بکنند. این والدین زمان کمتری را با فرزندانشان در فعالیت های مفرح و فیزیکی می گذرانند. لذا فرزندانشان مفهوم خود ضعیف تری دارند و تنها تر هستند (لیو^۴ و همکاران، ۲۰۰۹). پارکر و آشر^۵ (۱۹۹۳) دریافته اند، پذیرفته شدن ضعیف از طرف همسالان و فقدان یک دوست نیز، به طور مستقلی به تنهایی کمک می کند و طرد و عدم اعتماد متقابل با همسالان، با تنهایی همبستگی مثبتی دارد (جکسون، ۲۰۰۷).

1-Ditommaso

2- Deniz

3-Jackson

4-Liu

5-Parker & Asher

آمارها نشان می دهد که ۷۹ درصد نوجوانان کمتر از ۱۸ سال، احساس تنهایی را گزارش کرده اند و ۵۳ درصد بزرگسالان بین سن ۴۵ تا ۵۴، احساس تنهایی را گزارش کرده اند. در صورتیکه ۳۷ درصد از مسن ترها در سن ۵۵ سالگی، احساس تنهایی داشته اند (روکس^۱، ۲۰۰۹). از آنجائیکه محققان متعددی اظهار کرده اند که احساس تنهایی تجربه ناخوشایند و مشترکی است که، تأثیرات زیانباری بر عملکرد روانی و سلامت بدنی دارد (ریچمن، ۱۹۵۹، کوپر اسمیت^۲، ۱۹۹۹، به نقل از هینریچ و گالون، ۲۰۰۶). لذا نوجوانانی که احساس تنهایی را آشکار می کنند، پیش آمادگی هایی به اختلالات روانی، اضطراب، سوء مصرف مواد، عملکرد جنسی خطرناک، رفتارهای پرخطرانه، تمایلات خودکشی گرا و نیز ناخوشیهای جسمانی دارند (روکاچ^۳ و همکاران، ۲۰۰۱، به نقل از لاکسی^۴، ۲۰۰۸).

از طرفی علاوه بر پدیده تنهایی در دوران نوجوانی، مسئله مهم دیگر در این دوران، هویت یابی^۵ است. بر اساس نظر اریکسون^۶ (۱۹۵۶-۱۹۶۸) اواخر نوجوانی حس ثابت و روشنی از هویت خود شامل ادراکات خود و اکتشاف درباره ارزش ها، باورها و جهت گیری شغلی و دیگر مسائل مرتبط با هویت، شکل می گیرد (وایت^۷، ۲۰۰۹). اریکسون (۱۹۶۸) هویت را ناشی از برخورد سازگار نوجوان با تقاضاهای اجتماعی و چالشهای رشدی و نیز تلاش های نوجوان برای معنی دادن به انتخاب ها و تعهدات به زندگی شخصی اش می باشد، می داند (به نقل از حجازی^۸ و همکاران، ۲۰۰۸).

از جمله عوامل مهمی که بر ایجاد هویت موفق تأثیر دارد، کیفیت روابط والدین با نوجوان است. براساس دیدگاههای نظری مثل نظریه سیستمهای خانواده کوپر و گروتوانت^۹ (۱۹۸۵)، پروسا و تام^{۱۰} (۱۹۶۹)، نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۶۹) که اظهار کرده اند، سبک های تربیتی والدین و کیفیت روابط والدین با نوجوانان، به تفاوت هایی در اکتشاف هویت نوجوانان کمک می کند. ایده اصلی نظریه دلبستگی این است که به عنوان مثال، کیفیت بالای فرزندپروری به

1-Roux

2-Kupersmidt

3-Rocach

4-Luxcky

5-Erickson

6-Identification

7- White

8-Hejazi

9-Grotevant & Cooper

10- Perosa & Tam

حس مثبتی از خود و دیگران کمک می کند. به طوریکه پایگاه امنی را برای اکتشاف فراهم می کند (آلن ولند^۱، ۱۹۹۹، به نقل از برزونسکی^۲ و همکاران، ۲۰۰۸).

نوجوانانی که در حالت آشفتگی هویت هستند، بیشتر احتمال دارد که والدین طردکننده و یا نادیده گیرنده داشته باشند، که ارتباط صمیمی با آنها ندارند. نوجوانانی که هویت زود رس دارند، به نظر می رسد که تابع والدینی هستند که گرچه به آنها محبت دارند، اما شدیداً محافظت کننده و کنترل کننده هستند. این افراد ممکن است هرگز درباره اقتدار والدین سوال نکنند و یا نیازی به ساختن هویت جداگانه احساس نکنند (سیلگمن^۳، ۱۹۹۹، به نقل از لطیفیان و محمدی، ۱۳۸۷).

در یک مطالعه گروتوانت و کوپر نشان داده اند که، نوجوانانی که بالاترین نمره را در سنجش کشف هویت گرفته اند، از خانواده هایی بودند که بالاترین سطوح تماس و نیز تمایز (استقلال روانی) را داشته اند. بدین معنی که در روابط نوجوان با والدین، نوجوان به بیان دیدگاه هایش تشویق می گردد و نیازهایش را در محیط گرم و حمایتگرانه تنظیم می کنند (آسچوف^۴ و همکاران، ۲۰۰۸).

رشد هویت بویژه در ورود به بزرگسالی نقش اساسی دارد. جوانان در این دوران تصمیم می گیرند، فعالانه در رشد هویت خودشان شرکت کنند. آنها تصمیم می گیرند که کدام دانشگاه بروند، کجا کار کنند و چه تخصصی را دنبال کنند (آرنت^۵، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷، به نقل از گراندمن^۶، ۲۰۱۰). سکوارتز^۷ و همکاران (۲۰۰۵) اظهار کردند که در جوانی و اوایل بزرگسالی افراد در معرض بسیاری از فرصت ها برای کشف و جستجوی مسیرهای شغلی، روابط رومانیتیک و جهان بینی ها و همزمان مستقل شدن از والدینشان پیش می روند. آرنت (۲۰۰۰) دریافت، زمانیکه آنها مستقل می شوند، مسئولیت پذیری برای کشف هویتشان را می پذیرند و فعالانه فرصت های جدید را دنبال می کنند، که به انتخاب های با ثبات و بادوام تری منجر می شود. برای مثال در آغاز ورود به بزرگسالی با انتخاب نوع شریک زندگی ای که به آن تمایل و آرزو دارند و بهترین شغلی که مناسب استعدادهایشان است، تعیین می شود. این اکتشافات

1- Allen & land

2- Berzonsky

3- Sigelman

4- Aschoff

5- Arentt

6- Grundman

7- schwarts

و جستجوها است که تعیین می کند که چه کسی هستند و چه چیزی از زندگی می خواهند (گراندمن، ۲۰۱۰).

لذا در این دوران والدین با حمایت عاطفی - روانی خود می توانند محیطی را فراهم کنند که جوانان به پشتوانه آنها در مواجهه با این تجربیات سخت و پر استرس با موفقیت عمل کنند و نقشهای مختلف را بیاموزند و تجارب مختلفی را کسب کنند. به طوری که در کنار تماس با والدین و متمایز بودن از آنها به فردیت برسند و در عین حال احساس تنهایی نداشته باشند.

۲-۱ بیان مسئله

اکثر روان شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش های متقابل میان والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی آنان تلقی می کنند (بالبی، ۱۹۶۹، به نقل از پورعبدلی و همکاران، ۱۳۸۷). در سراسر دوران رشد از کودکی تا نوجوانی والدین نقش مهمی در کنترل هیجانات و رفتارهای کودکانشان و نیز عزت نفس و هویت آنها دارند (شافر و کیپ^۱، ۲۰۱۰، به نقل از گراندمن، ۲۰۱۰). به خصوص در دوران نوجوانی که حساس ترین دوران زندگی هر فردی است، خانواده نقش بسزایی دارد. در واقع بخشی از محیطی که نوجوان را احاطه کرده والدین هستند، به طوریکه کیفیت روابط با والدین، تأثیر مستقیمی بر فرایند شکل گیری هویت نوجوانان دارد (بیرز و گوسنز^۲، ۲۰۰۸). نوجوانی دوره بحرانی در زندگی شخصی هر انسانی است، که از طرفی با تغییرات باورهای مرتبط با خود و از طرف دیگر با انتظارات آموزشی و اجتماعی جدید مرتبط می شود. آنچه باعث انسجام و یکپارچگی، این تغییرات می شود، **هویت** است (حجازی و همکاران، ۲۰۰۸). اریکسون (۱۹۶۸) هویت را، سازمان پویایی از توانایی ها، محرک ها، باورها در شکلی از خود مستقل و یکپارچه است که، رشد برنامه زندگی فرد را جهت می دهد، تعریف می کند. او هویت یابی را در مقابل بحران هویت پدیده ای روانی - اجتماعی می داند که در دوره ی نوجوانی ظهور می یابد (به نقل از موسوی و روشن^۳، ۲۰۱۰).

گروتوانت و کوپر (۱۹۸۶) دیدگاه های نظریه دلبستگی و نظریه "فردیت - تمایز"^۴ را

1-shaffer & kip

2- Beyers & Goossens

3- Mosavi & Roshan

4- Separation-individual theory

یکپارچه کردند. نظریه آنها بر فردیت در روابط خانوادگی تأکید دارد. بطوریکه پیوندی قوی با والدین در دوران نوجوانی، به حمایت از فردیت (هویت) نوجوان کمک می‌کند و در نتیجه باعث ارتقای شکل‌گیری هویت می‌شود. بر اساس تحقیقات بیرز و گوسنز (۲۰۰۸)، فرزند پروری و شکل‌گیری هویت به طور پویایی به هم مرتبطند (بیرز و گوسنز، ۲۰۰۸).

بر اساس نظر کوپر و همکاران (۱۹۸۳) پیوند دلبستگی ایمن به والدین در دوران نوجوانی یک محدودیت نیست. بلکه یک رابطه سازنده برای رشد نوجوان است. به این خاطر مراقبت‌کنندگان فعالیت‌های مستقلانه و رفتارهای خودمختارانه نوجوانان را تشویق می‌کنند، به طوری که استقلال برای نوجوان قابل دسترس باشد. او می‌تواند به والدینش در زمانهای استرس و شکست بازگردد. به این صورت فردیت، تعادل بین تماس با والدین و تمایز (استقلال) است. گرچه تماس و فردیت فاکتورهای مستقلانه‌ای داشتند که هر کدام به شکل بی‌ظنیری اکتشاف و تعهد هویت نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. اما بعدها نشان دادند که همزیستی فردیت و تماس با والدین برای رشد هویت نوجوان قطعی است. بلاستین^۱ و همکاران (۱۹۹۱) نشان دادند که هم دلبستگی و استقلال روان‌شناختی از والدین به طور مثبتی اکتشاف شغلی و تعهد شغلی را در اواخر نوجوانی پیش‌بینی می‌کند. بطور خلاصه چیزیکه این نظریات در آن اشتراک نظر دارند، این است که والدین بر فرایند شکل‌گیری هویت تأثیر دارند. والدین بر فرایندهای مثل اکتشاف (به وسیله تشویق نوجوان برای جستجو اطلاعات جدید برای مطالعه یا شغل‌های ممکن) و تعهد تأثیر دارند (بیرز و گوسنز، ۲۰۰۸).

لذا حمایت توأم با محبت و تماس با والدین به نظر می‌رسد که محیط مساعدی برای تقویت شکل‌گیری هویت فراهم می‌کند. تحقیقات قبلی از امتیاز رشدی بازنمایی دلبستگی ایمن حمایت می‌کند. دلبستگی ایمن به والدین، رشد هویت را تقویت می‌کند. در صورتیکه دلبستگی ناایمن به والدین با هویت مغشوش مرتبط می‌شود (آویلا^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). هم‌چنین بر اساس نظر استینبرگ^۳ (۲۰۰۱) ترکیبات فرزندپروری مقتدرانه مثل گرمی، ثبات و خودمختاری روان‌شناختی در رشد هویت نوجوانان تأثیر بسزایی دارد (رومنو^۴، ۲۰۰۴).

1- Blustein
2- Avilla
3-Stienberg
4-Romano

نتایج تحقیقات همراه با این عقیده است که ترکیبی از گرمی و نزدیکی روابط با والدین (مثل حمایت عاطفی - راهنمایی و صمیمیت و دل‌بستگی ایمن) و تشویق تلاش برای خودمختاری از طرف والدین (مثل حمایت خودمختاری و ارزش دادن به استقلال و فردیت در درون خانواده و تشویق آزادی و رفتار مستقلانه) با رشد هویت سالم (موفق) افراد مرتبط می‌شود (بیرز و گوسنز، ۲۰۰۸).

ادراک محیط خانواده نیز با تکیه بر نقش خود (هویت) مورد توجه است. یعنی اثر محیط خانواده به نحوی که نوجوان ادراک می‌کند، بیشتر باید بررسی شود. تحقیقات نشان می‌دهد که اگر خانواده پایگاه امنی باشد که نوجوانان بتوانند با اطمینان از آن به سوی دنیای بزرگتر پیش روند، تحول هویت تقویت می‌شود. علاوه بر این نوجوانانی که احساس می‌کنند به والدین خود وابسته هستند. اما در عین حال آزادند تا عقاید خود را بیان کنند از هویت سالم تری برخوردارند (برک^۱، ۲۰۰۱، به نقل از ربانی زاده، ۱۳۸۹). همان طور که نظریه دل‌بستگی اظهار می‌کند، بچه‌هایی که والدینشان را به عنوان حمایت‌کننده عاطفی قلمداد می‌کنند، احتمالاً یک الگوی فعال از خود به عنوان فردی شایسته و دوست‌داشتنی ایجاد می‌کنند. لذا این حمایت عاطفی ارائه شده به عنوان سوابق برای خود ادراکی مثبت کودکان هستند و برعکس انتظارات نامناسب والدین و قضاوت‌های تحقیر آمیز آنها به مفهوم خود منفی کودکان کمک می‌کند (براون^۲ و همکاران، ۲۰۰۹).

البته ممکن است ادراکی که نوجوان از سبک فرزندپروری والدینشان دارد، با نگرشهای والدین در مورد فرزندپروری خودشان متفاوت باشد. بسیاری از مطالعات نشان داده است که نوجوانان ویژگی‌های خانواده را منفی‌تر از خود والدین ارزیابی می‌کنند. در صورتیکه خودسنجی‌های والدین، بیشتر تمایل دارند که ابعاد معینی مثل پذیرش و انضباط را بزرگ‌نمایی کنند (پیلیگرینا^۳ و همکاران، ۲۰۰۳). همچنانکه اسمتانا^۴ (۱۹۹۹) بر این باور است که والدین در گزارشهای خود بیشتر سبک‌های فرزندپروری را به صورت مقتدرانه جلوه می‌دهند. در حالیکه فرزندان آنها سبک والدین خود را بیشتر به صورت مستبدانه ادراک می‌کنند، نه مقتدرانه (لانگ^۵ و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از ربانی زاده، ۱۳۸۹).

1-Berk

2-Brown

3- Pelegrina

4- Smetana

5- Leung

از طرفی شکل‌گیری هویت نوجوان صرفاً بر پایه ویژگی‌های فیزیکی نمی‌باشد، بلکه مبتنی بر ویژگی‌های روانی (مثل باورها، تفکرات، ارزش‌ها و روابط اجتماعی نوجوان نیز قرار دارد) پاراخارست و همپیر^۱، ۱۹۹۹، به نقل از هینریچ و گالون، ۲۰۰۶). هم‌چنین روند گرایش نوجوان به سمت استقلال، فردیت و شکل‌گیری هویت، خطر احساس جدایی و مسئولیت‌پذیری افزایش داده و علاوه بر آن نیازهای پیوستگی او به والدین و اطرافیان قوی‌تر شده است و نهایتاً ریسک آسیب‌پذیری به تنهایی اجتماعی و هیجانی نوجوان را، افزایش می‌دهد. در نتیجه عدم حل احساس تنهایی قبل از خروج از دوران نوجوانی و جوانی ممکن است، نگرانی‌های اساسی برای روابط اجتماعی آینده و سلامت روان آنها داشته باشد (برنا، ۱۹۸۲، به نقل از هینریچ و گالون، ۲۰۰۶).

برای بسیاری اواخر نوجوانی دوره انتقالی برای ورود به زندگی دانشجویی می‌تواند دوران بحرانی باشد. آنها با سئوالات مواجه می‌شوند در این زمینه‌ها که: رشته شما چیست؟ چه کاری در زندگی انجام می‌دهید؟ چه کسی هستید؟ برون‌فینبرنر^۳ (۱۹۸۶) بیان داشت که اواخر نوجوانی با وجود اینکه که نوجوان صرفاً دیدگاه‌های شخصی خودشان را ترک نکرده‌اند، در محیط اجتماعی جدید وارد می‌شوند و زمانیکه بزرگتر می‌شوند، تأثیرات جدیدی شامل تعاملات خانوادگی و روابط همسالان، به شکل دادن رشدشان کمک می‌کند. در طی سالهای اولیه دانشگاهی زمانیکه با سطوح جدیدی از مسئولیت‌پذیری برای اداره و کنترل آموزش، ارزش‌ها، باورها، شغل و جهت‌گیری زندگی مواجه می‌شوند، انتظارات هم‌برآن اساس در نوجوانان تغییر می‌کند. چنین فشارهایی بالقوه می‌تواند دانشجویانی را شامل بشود که به مسیرهای شغلی خاصی توسط والدین هدایت شده‌اند.

دانشجویان علاوه بر اینکه برای اکتشاف هویت تحت فشار هستند. در زمینه مشخص کردن رشته‌هایشان توسط آموزش‌هایی که دیده‌اند، در مورد شغل خود، مسیرهای زندگیشان، جهت‌گیری دانشگاهی، دوره‌های جستجوی شغلی و متفاوت بودن دیدگاه‌های کلی هم‌خوابگاهی‌ها نیز، تحت فشار هستند (وایت، ۲۰۰۹).

1- Parkhurst & Hopmeyer

2- Brenna

3- Bronfenbrenner

از طرفی برای بسیاری از دانشجویان این اولین زمانی است که از والدینشان و از حمایت اجتماعی و عاطفی آنها دور هستند. آنها خانه، دوستان و همشهری هایشان را ترک نموده اند. جدایی دانشجویان از خانه و خانواده باعث ایجاد احساسات شک، ابهام و اضطراب می گردد (ویس^۱، ۱۹۷۳، به نقل از اوزدمیر و تانکی^۲، ۲۰۰۸). آنها نیاز دارند که روابط گذشته شان با والدین، معلمان و دوستان خود را ارزیابی کنند. آنها شروع می کنند که یاد بگیرند چگونه با دلبستگی ها و فرایند شرایط بین فردی برخورد کنند. لذا فقدان حمایت اجتماعی و عاطفی از طرف والدین و اطرافیان، ممکن است آنها را به تنهایی عاطفی و اجتماعی سوق دهد (کاترونا^۳، ۱۹۸۲، به نقل از اوزدمیر و تانکی^۲، ۲۰۰۸). تحقیقات نشان داده اند، تنهایی نوجوانان، با شکست تحصیلی، سوء مصرف مواد و الکل، انزوای اجتماعی مرتبط می شوند (اندرسون و هاروی^۴، ۱۹۸۸، به نقل از سیفیتسی^۵ و همکاران، ۲۰۰۸) و نیز با پذیرش کم همسالان در ارتباط است (سلتا^۶ و همکاران، ۱۹۹۶، به نقل از سیفیتسی و همکاران، ۲۰۰۸).

بویژه این مسئله تنهایی در مورد نوجوانان دختری که در خانواده های مستبد بزرگ شده اند، نسبت به نوجوانانی که در خانواده های مقتدر و سهل گیر بزرگ شده اند، بیشتر احساس می شود. درحالیکه ادراک مثبت از کیفیت روابط اولیه با والدین، به کاهش سطوح تنهایی نوجوان کمک می کند. چراکه این مسئله به رشد الگوهای مثبت از خود و دیگران منجر می شود (ویسمن و همکاران، ۲۰۰۶).

از سویی با توجه به رابطه بین مولفه ها و سبک های فرزند پروری با احساس تنهایی که در پیشینه ها و یافته های تجربی مختلف مورد تأکید قرار گرفته اند و نشان داده شد که فرزندپروری بر اساس ماهیتی که دارد، رشد نوجوان را تسهیل یا از آن جلوگیری می کند. این سوال مطرح می شود که چه رابطه ای بین احساس تنهایی و ادراک از فرزندپروری وجود دارد؟ از نظر رویزرو^۷ و همکاران (۲۰۰۶) سبک های هویت و خود به طور غیر ضروری از هم جدا شده اند و باید با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند. زیرا سبک های هویت نیز مانند نظریه خود یک

1-Weiss

2-Ozdemir&Tuncay

3-Cutrona

4- Anderson & Harvey

5-Cifitci

6-Sletta

7- Roeser